

اخلاق و حسابرسی در نظامهای بوروکراتیک: یک بررسی تاریخی

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال ششم)

شماره ۲۱ / پاییز ۱۳۹۹ / ص ۱۹-۱۰

محمد محمودی منفرد^۱، میلاد گوهری^۲

^۱ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه غیر انتفاعی مولوی ایوانکی

^۲ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه علوم تحقیقات شاهرود

نویسنده مسئول:

محمد محمودی منفرد

چکیده

این مقاله در مورد ارزیابی محیط اخلاقی است که در آن خدمات عمومی در کشورهای در حال پیشرفته به اجرا درمی آید و بر روی حسابرسی (جوابگویی) تأکید دارد و کنترل متراژها به خصوص برای محافظت و مواظبت در مورد سوء استفاده و استفاده نادرست از قدرت بوروکراتیک را در نظر دارد. این مقاله به بحث و بررسی این ملاکها که نتوانسته اند به خدمات رسانی بپردازند همراه با محیط اخلاقی مورد لزوم در محیط بوروکراتیک می پردازد و علتش این است که عقیم گذاری عمدی در ارایه خدمات حسابرسی داخلی و دولتی به علت شرایط نامساعد اخلاقی و فساد مهار نکردنی در سیستم بوروکراسی عمومی وجود داشته است.

واژگان کلیدی: اخلاق، جوابگویی، نیجریه، بوروکراسی

مقدمه

بحث‌های قابل توجهی در حوزه علوم انسان و حتی سیاسی وجود دارد که هم برای دولت و هم برای افراد اهمیت دارد و حتی اگر با آن به مثابه اخلاقی یا مسئولیت برخورد شود باز هم از اهمیت آن کاسته نمی‌شود. اکنون به نظر می‌رسد یک نوع هماهنگی وجود دارد و دولت باید خود در مورد اساس تشکیل قوانین مملکت جوابگو باشد، و افرادی که دارای قدرت هستند باید از طرف دولت این کار را بکنند، حال این افراد چه انتصابی باشند و چه انتخابی، یکی از مهمترین و مشخص‌ترین خصوصیات جوامع مدرن امروزی ظهور بوروکراسی دولتی قدرتمند است این که باعث بالا بردن مورد قدرت بوروکراتیک می‌شود که ممکن است توسط بوروکرات‌ها مورد سوء استفاده قرار گیرد، ممکن است به صورت اهداف فردی یا خودخواهانه (به خصوص خانواده‌های پر قدرت) باشد یا در دوره‌ی برخورد آنها با شهروندان خصوصی باشد. با توجه به مورد اخیر، معمولاً بر روی موقعیت ضعیف شهروندان در رابطه با بوروکراسی دولت قدرتمند تکیه می‌شود. بیشتر کشورهای مدرن بعضی از روش‌های برخورد با مشکلات را پیش گرفته‌اند که ممکن است آن را تعامل بنامیم، در نیجریه، کمیسیون شکایات مردمی، که معمولاً سیستم آمبودزمان نامیده می‌شود، قانونی وضع کرده است تا مکانیسم رسیدگی به فساد را تعیین کند. اینکه این کمیسیون تا حدی موفق شده است در بعضی از تحقیقات قبلی مورد بحث قرار گرفته است. به غیر از اینها مکانیسم‌های داخلی دیگری هم وجود دارد که به همراه ملاک‌های کنترل برای هدایت بوروکراسی و وظیفه آن در بعضی پارامترهای اخلاقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مکانیسم‌های داخلی نه تنها یک جو اخلاقی به وجود می‌آورند که در آن انتظار می‌رود بوروکراسی مسئولیت‌های خود را انجام دهد بلکه به عنوان ملاک‌های پاسخگویی و حسابرسی برای خدمات هم باشد. اینها عبارتند از قوانین خدمات داخلی (شهری) یا CSR که نظم کلی را به خدمات می‌دهند و این کار را از طریق قوانین وضع شده در کتاب راهنمای خدمات انجام می‌گیرد. CSR هنجار اصلی برای هدایت خدمات است و از نصب تا جدایی از خدمات، برنامه‌ها، حقوق، ترک خدمت و پاداش را دربرمی‌گیرد. کتاب راهنمای خدمات شهری در واقع یک کتاب مرجع است و در تمام سطوح شخصی دارای راهنمایی می‌باشد. میدان این کتاب کاملاً همه جانبه است و با تمام خصوصیات مهم خدماتی سر و کار دارد، نقش خدمات شهری در دولت و حالتی که امور دولت باید داشته باشد تا اثربخش باشد و بتواند اعتماد عمومی را جلب کند در این کتاب آمده است. در فصلی تحت عنوان «کد یا شاخص اخلاقی امور دولتی» ارزش‌های اصول و برنامه، وفاداری، درستکاری، شهامت، ادب، همکاری، ارتباط ماهرانه، صنعت، انصاف و تساوی مورد تأکید قرار گرفته است. در قسمت مربوط به اخلاق و جوابگویی، این کتاب و CSR دارای مدارک و اسناد زیر می‌باشد؛ راهنمایی برای انتصاب، توسعه و اصول CSR، شاخص اجرایی که شامل تمام رفتارهای سیاسی و خدمات عمومی می‌شود، برنامه پنجم ۱۹۹۹ قانون فدرال که دارای کد راهنما برای انجام کار مسئولین همراه با تأکید بر روی چگونگی پیشگیری تعارضات است و بالاخره، کد حل اختلاف که مسئولیت آن آوردن افراد به دادگاه محاکمه یا پیگرد تمام موارد نقض قانون یا پیروی نکردن از قوانین اخلاقی حاکم بر امور دولتی است.

جالب اینجاست که علی‌رغم این ملاک‌های کنترل جهت اطمینان نسبت به سیستم بوروکراتیک اخلاقی، اخلاق بوروکراتیک ترک شده

است و فساد امری رایج شده است. هدف اولیه این تحقیق ارزیابی جو اخلاقی است که در آن خدمات عمومی در کشور نیجریه اجرا می شود. برای انجام این کار، ما نگاهی هم به حساسی یا جوابگویی خاص و ملاک های کنترل می پردازیم که استعمارگران به وجود آورده اند و به طور خاصی برای محافظت در برابر بد رفتاری و رفتارهای غلط قدرت اداری وضع شده اند.

ما سعی می کنیم به شرح و توصیف علل شکست این ملاک برداریم و این شکست را در زمان حال و در زمان گذشته بررسی می کنیم. بحث ما این است که این ملاک های کنترل به طور عمد عقیم گذاشته شده اند و اجازه ی عمل به آنها داده نمی شود، بنابراین سایر ملاک های معرفی شده هم دچار همین سرنوشت شده اند، چه به صورت قانونی (۱۹۹۷-۱۹۹۹) و چه به صورت های دیگر، تا اینجا نتیجه ای جز اقدامات غیر اخلاقی و فساد لجام گسیخته در سیستم اداری نداشته است. تا بحث و بررسی خود را با شرح و تعریف مفهوم فساد اداری شروع می کنیم.

جنبه های اخلاق بوروکراتیک و فساد

بیشتر سیستم های اداری قاره آفریقا دارای یک رفرم (اصلاح طلبی) یا سایر انواع را داشته اند، به خصوص وقتی چنین اصلاحاتی برای انتقال سیستم اداری از یک خدمات تنهای تحول روحی و جهت گیری دوره ی استعماری به یک دوره ی دینامیکی تر مورد استفاده قرار می گیرد، برای به دست آوردن این هدف، اصلاحات مختلفی برای تخصصی کردن خدمات در نظر گرفته می شود. تخصص یک ارزش بسیار بالایی است که در مورد چگونگی فعالیت های عمومی و خدمات تصمیم می گیرد. اینگونه اصلاحات سایر ارزش ها را هم در بر می گیرد مثل؛ وفاداری، شفافیت، مؤثر بودن و تا حدودی ارزش هایی که برای بعضی کشورها خاص هستند آنها را هم شامل می شود. هر عضو خدمات عمومی باید این ارزش ها را درک کند.

این ارزش های مشترک چیزی هستند که به طور کلی از آنها به عنوان اخلاقیات خدمات عمومی نام می بریم. بنابراین، در هسته یا مرکز تخصص قرار دارند و برای خدمات عمومی کفایت می کنند. داویس (۱۹۹۰) اخلاق را اینطور تعریف می کند: استانداردهای رسمی اخلاقی برای عمل که هر عضو گروه می خواهد دیگری از آن پیروی کند حتی اگر به معنای این باشد که خودش هم باید از آن پیروی کند. بنابراین، مفهوم «اخلاق» برای بسیاری از استانداردهای رسمی اخلاقی که فقط کاربرد خاص گروهی دارد به کار می رود. اخلاقیات تخصصی به استانداردهای خاصی اشاره دارد که بر اعمال اعضای گروه خاص متخصصان حاکم است و دلیلش این است که آنها عضو آن جامعه یا محله هستند. اخلاق تخصصی می تواند فقط به عنوان بخشی از آموزش باشد. بنابراین، اعضای سیستم اداری باید اخلاق تخصص خاص خود را هم به صورت ضمن خدمت و هم قبل از شروع خدمت بیاموزند.

تامسون (۱۹۸۵) اخلاق اداری را شامل کاربرد اصول اخلاقی می داند که مسئولین رسمی باید آن را رعایت کنند. چاپمن (۱۹۸۸) اخلاق خدمات شهری را به مثابه کاربرد استانداردهای اخلاقی در دوره ی کار رسمی به حساب می آورد. بنابراین انتظار می رود که مسئول خدمات شهری توجه خاصی به اجرای احکام اخلاقی داشته باشند.

اخلاق در خدمات خاص شهری دارای هنجارهای وسیعی است که باعث انگیزه ی خدمات می شود که باید در رفتار و قضاوت و تمایز وظایف

رسمی آنها را مراعات کرد. آنچه در اخلاق اداری دارای اهمیت است عبارت است از:

استانداردها و سیستم‌های ارزشی که در خدمات شهری داخل شده‌اند. اساس آن این اعتقاد است که چه کاری کارکنان و مسئول‌های خدمات عمومی انجام بدهند که وقتی مواجه با یک موقعیت ارزشی می‌شود که دارای معنایی برای ایستایی تخصص آنها دارد. بنابراین اخلاق در خدمات شهری دارای کاربرد وسیعی است و حتی اعضای جامعه خدمات شهری باید طوری عمل کنند که به آنها و شخصیت افراد صدمه‌ای وارد نشود. این امر بسیار مهم است زیرا خدمات شهری را اغلب به مثابه گسترش دولت و منطق دولت مدرن می‌دانند که بطور فزاینده‌ای وابسته به پذیرش کسانی است که حاکمیت دارند، پذیرشی که باعث تقویت بیشتر می‌شود، به شرط آن که کسانی که تحت حاکمیت قرار دارند به درستی اخلاقی حاکمان ایمان داشته باشند. شکست یا کنار گذاشتن هر استاندارد اخلاقی به ناچار به فساد و اعمال فسادانگیز در کارهای عمومی و پایین آوردن اثرات تحویل خدمات منجر می‌شود. در مورد فساد، تمایزی باید بین فساد و بوروکراتیک و سیاسی قائل شد. این تمایز بیش از یک تمرین آکادمیک به عنوان شکست برای مشخص کردن یا ترسیم کردن بین هر دو منجر به یک ابهام و ناتوانی برای پیدا کردن راه حل می‌شود. هرپ (۱۹۸۵) سعی کرد دنباله فساد بوروکراتیک از طریق قطب بندی بوروکراسی در جهان سوم را بگیرد. فساد سیاسی، باعث کنار گذاشتن قوانینی برای فساد اداری در جهان سوم شده است.

یکی دیگر از محققان در سال ۲۰۰۳ نیز تمایزی بین فساد سیاسی به عنوان قدرت گروهی خاص از مردم قائل شده است. با وجود این آنالیز هرپ دو مفهوم برای ما دارد. یکی این است که شجره فساد، فساد سیاسی اول می‌آید و قبل از فساد اداری قرار دارد. این دلالت بر این دارد که فساد سیاسی رشد دهنده و به وجود آورنده‌ی فساد اداری یا بوروکراتیک است. در کشور نیجریه، واقعیت این است که یک رابطه دیالکتیکی بین این دو وجود دارد، به طوری که فقدان یکی ممکن است باعث تحلیل رفتن (آتروفی) دیگری بشود زیرا فساد سیاسی قبلی بدون حمایت و اغماض بعدی نیست و عکس آن هم صادق است. مورد دیگر اخلاق محوری این ادعا است که به مفهوم پدیدار شدن فساد در جهان سوم است. همانطور که کالدن (۱۹۷۹) می‌گوید، فساد یک موضوع بیگانه و عجیب و غریب مربوط به کشورهای در حال رشد است، صحنه‌ای که فرض می‌شود جوامع غربی مدت زیادی است آن را رشد داده است. تقریباً در یک خصوصیت موقعیت عذرخواهانه روشنفکری بورژوا، نویسندگان خاصی سعی کرده‌اند توسعه یا پیشرفت را به یک بوروکراسی مدرن همراه با فساد فرآیند اداری مرتبط بدانند. آنها بیشتر این را بیان کرده‌اند که فساد معادل عملکرد پیش ممکن است دارای ترکیبات مهمی برای دسترسی به یک بوروکراسی مدرن باشد. آنها در حفظ کردن نمونه‌های بریتانیایی (قبل از کمیسیون نورت کورت-ترولیان) و آمریکایی (طی دوران جکسون) سرعت دارند. با این همه از آکرمن (۱۹۷۸) خاطر نشان می‌کند که هیچ بوروکراسی، چه پیشرفته و چه در حال پیشرفت، فساد آزاد را توصیه نمی‌کند.

یک بوروکراسی تکه شده ممکن است تأخیراتی گسترده در ایجاد فساد رسمی برای رشوه‌های بزرگ ایجاد کند، که در این صورت یک بوروکراسی نفوذپذیر همراه با فساد خواهد بود اگرچه مسئولین در قضاوت زیاده‌روی نکنند، در عین حال بوروکراسی فاسد در رأس این سلسله مراتب قرار می‌گیرد و ممکن است ساختار اداری کلی آن به داخل موتوری برای به اوج رسیدن وارد شود.

بیشتر نویسندگان در مورد فساد فرض را بر این گذاشته‌اند که یک موقعیت اخلاقی یا استرسی رفتاری از دیدگاه اجرایی وجود دارد. آنها همگی توافق دارند که فساد مربوط به وضعیت روانشناسی گندیدگی و فساد جامعه و شهروندان است. طبیعت بحث برانگیز مربوط به نسبت آن است که آنچه برای اجرای فساد در یک مکان وجود دارد ممکن است در مکانی دیگر وجود نداشته باشد. این موضوع به نوبه خود منجر به تنوع تعریف و معنی می‌شود. با وجود این، جاشون در سال ۱۹۹۶ بسیاری از تعاریف را به سه دسته تقسیم بندی کرده است، اداری، عمومی، بازاری و علایق عمومی.

بنسون (۱۹۷۸) بر روی سوء استفاده از قدرت اداری برای ایجاد فساد به عنوان «کاربرد غیراخلاقی یا غیرقانونی قدرت دولت، در نتیجه توجه فردی یا به دست آوردن قدرت سیاسی» نام می‌برد. بالی (۱۹۹۶) تعریف بیشتری از فساد کرده است زیرا فساد را به مفهوم لزوماً رد و بدل کردن پول محسوب نمی‌کند، بلکه یک واژه کلی که شامل حال تمام سوء استفاده‌های قدرتی غیرپولی می‌شود، می‌داند. رز آکارمن (۱۹۷۸) فساد را کاربرد مکانیسم بازار غیرقانونی در تصمیم‌گیری‌ها که برای کنار گذاشتن سیستم سیاسی دموکراتیک است، می‌داند. نویسنده‌ای دیگر در سال ۲۰۰۳ فساد را به دو دسته گسترده و غیرمادی تقسیم بندی کرده است. وی می‌گوید فساد غیرمادی شامل خدمات یا استفاده ناعادلانه از امکانات می‌شود.

فساد... یک شکل رفتار ضداجتماعی است که افراد یا گروه‌هایی که با بی‌عدالتی یا کلاهبرداری سر و کار دارند از مزایای آن سود می‌برند. دو فعالیت برای درک فساد در این تحقیق انجام گرفته است. اولی را مک مولان (۱۹۷۰) انجام داده است که فساد را رفتاری می‌داند که نتیجه آن سود فردی با پرداخت هزینه عمومی است. وی می‌گوید: یک مسئول عمومی اگر پولی را بپذیرد ی هم ارزش آن پول کاری را انجام دهد که غیروظیفه‌اش است و یا کاری را که نباید انجام بدهد انجام داده است یا به دلایل نامناسبی یک کار قانونی کرده است، اینها فساد است.

بنابراین می‌توان گفت که فساد زمانی وجود دارد که قدرتی مسئولیت انجام کار خاصی را یا انجام چیزهای خاصی را به عهده دارد، یعنی کسی که مسئول عمل کردن است یا یک مسئول از طریق مالی یا سایر پاداش‌های غیرقانونی عهده‌دار کاری می‌شود که کس دیگری باید انجام می‌داد و بنابراین به عموم صدمه وارد می‌کند.

دلایل بسیاری برای وجود فساد اداری ذکر شده است. یک دلیل کلی و عمومی این است که فساد به فرآیند مدرنیزه شدن سیاسی مربوط می‌شود. در نتیجه، این بحث طرح می‌شود که فرآیند سیاسی مدرن می‌شود، فساد اداری کمتر می‌شود. با وجود این، ورنر (۱۹۸۳) گفته است که چیزی ضد این ایده وجود دارد: فسادهای سیاسی و اداری لزوماً با مدرنیزه شدن سیاسی مرتبط نیستند. فساد عملاً باعث از بین رفتن بلوغ سیستم سیاسی نمی‌شود، در عوض، سیاست خصوصیت آن را در پاسخ به تغییرات فرهنگی اقتصادی- اجتماعی و عوامل سیاسی تغییر می‌دهد.

دلایل دیگری در مورد فساد مطرح شده است که بیانگر واقعیت‌های اقتصادی- اجتماعی جامعه است، آنچه کالون (۱۹۷۹) ملاک بازار

می‌نامد، دیدگاه دیگری آن را نتیجه منطقی یک ساختمان مؤسسه‌ای شکست خورده می‌داند که نتیجه‌ی چندوجهی بودن عملکردهای غیرضروری و غیررقابتی است. دلیل دیگر این است که فساد نتیجه تأکید بر روی فرمالیسم ساختاری ایجاد شده در قوانین است برای حل مشکلات خاص درحالی که اخلاق در کارهای اجرای جلوگیری از عمل وجود دارد. گسترش و برنامه ریزی حاصل از کمیسیون خدمات شهری، شاخص کارهای اداری که اجباراً رفتار سیاسی و خدمات عمومی را یکسان پوشش می‌دهد، برنامه پنجم ۱۹۹۹ قانون فدرال همراه با تأکید بر روی چگونگی اجرای مسئولین و جلوگیری از تنازعات و بالاخره شاخص اجرای هیأت حل اختلاف که مسئولیت او محاکمه یا پیگیری تمام موارد نقض قانون یا کار غیراخلاقی دارد از کارهای جاری در کشور نیجریه است.

جالب این است که علی رغم تمام این ملاک‌های کنترلی برای اطمینان حاصل کردن نسبت به سیستم بوروکراتیک اخلاقی، اخلاق بوروکراتیک وجود ندارد و اعمال فسادانگیز جاری و رایج است. هدف اولیه این تحقیق ارزیابی جو اخلاقی است که در آن خدمات عمومی در نیجریه انجام می‌گیرد. برای انجام این کار، ما نگاهی خاص به جوابگویی و حسابرسی و ملاک‌های کنترل انداخته‌ایم که استعمارگران آنها را به وجود آورده‌اند و به خصوص برای حفاظت در برابر سوء استفاده و بلا استفاده کردن از قدرت اداری است.

ما سعی خواهیم کرد توضیحاتی برای علت این شکست ملاک‌ها ارائه دهیم و آن را همراه با جو اخلاقی لازم در دوران قبل از استقلال و بعد از استقلال ذکر کنیم. بحث ما این است که در عین حال که این ملاک‌های کنترلی عملاً عقیم شده‌اند و اجازه‌ی اجرا ندارند، در عین حال ملاک‌های کنترلی دیگری هم به آنها اضافه شده است، که به صورت ممتد (۱۹۹۹-۱۹۹۷) یا به صورت‌های دیگر، و تا اینجا نتیجه‌ای جز اعمال غیراخلاقی و فساد افسار گسیخته در بوروکراسی عمومی نداشته است. ما بحث خود را با شرح و توصیف مفهوم فساد اداری شروع می‌کنیم.

دیدگاه‌هایی مربوط به فساد و اخلاق بوروکراتیک

بیشتر سیستم‌های مدیریتی در کشورهای افریقایی مجبورند یک اصلاحاتی یا کاری انجام دهند تا این اصلاحات منجر به انتقال سیستم مدیریتی از یک حالت روانی خدمات صرف و جهت‌گیری دوره‌ی استعماری به یک حالت پویاتر و پیشرفته‌تر تبدیل شود. برای دستیابی به این هدف، اصلاحات مختلفی منظور نظر متخصصان امور خدماتی است. تخصص یک ارزش بسیار بالاست که به مدیریت فعالیت‌های خدمات عمومی می‌پردازد. این موضوع مواجهه با ارزش‌های دیگری مثل وفاداری، بی‌طرفی، شفافیت، پشتکار، مؤثر بودن و اینگونه مسائل است. هر عضو از جامعه خدمات عمومی باید این ارزش‌ها را به درستی درک کند.

این ارزش‌های مشترک چیزهایی هستند که به طور جمعی به آنها اخلاقیات خدمات عمومی می‌گویند. پس، اخلاق در مرکز تخصص و کفایت خدمات عمومی قرار دارد.

داویدس در سال ۱۹۹۰ اخلاق را استانداردهای قابل قبول اخلاقی و کفایت (کارایی) خدمات عمومی توصیف کرده است که هر فرد این گروه مایل است دیگران انجام دهند. کنترل‌های قضایی و داخلی برای رسیدگی به تخلفات امور خدماتی وجود دارد. ملاک‌های کنترل داخلی به

تنظیمات داخلی خاص برمی گردد، به خصوص به بوروکراسی و آنچه مربوط به پیشگیری سوء استفاده از قدرت بوروکراسی می شود، می پردازد. بنابراین ملاک ها عبارتند از: آنچه مربوط به ساختار سلسله مراتبی بوروکراسی می شود و آنها واسطه نوعی روابط بین اعضای بالاتر و زیردستان هستند، توقعات و جرایم برای نقض قانون و قوانین حاکم بر اجرای کار دولتی در این قسمت قرار دارد. کنترل قضایی به عنوان شکلی از جوابگویی قانونی است که علاج ها و راه حل های قضایی برای هر شهروندی (شهروندی) فراهم می کند که با اعمال اداری یا بی عملی مخالف قانون تحت تأثیر قرار می گیرد.

تجارب کشورها

در سال ۱۹۶۰ این کشور از زیر یوغ استعمار انگلیس بیرون آمد و استقلال پیدا کرد. این کشور قبلاً با مدل وست مینستر و روش های کنترل پارلمانی اداره می شد که نه تنها بدون تغییر باقیمانده است، بلکه هیچ شکی نیست که سیاستمداران بومی هم آنها را به عنوان یک هنجار پذیرفته اند، روش هایی که برای نسل های زیادی در بریتانیا اجرا شده است و استخوان بندی سیستم دموکراتیک بریتانیا را ساخته است و ناگهان در نیجریه مؤثر افتاد، که سیاستمداران تحصیل کرده کاربرد آن را پذیرفتند، ولی به طور عمدی اجرا و اثرات آن را خنثی کردند. تمام اینها را می توان به عنوان یک امر عمدی تلقی کردند به علت مشکلات شفاف سازی روش ها یا ایده هایی از یک منطقه یا محل به محل دیگر. مثلاً، سنت زمان سؤال در پارلمان (مجلس) که ابزاری مناسب برای روشن کردن چراغ تحقیق خدمات عمومی و برای کاوش اجرای مدیریت در مدل بریتانیا اول بار مطرح شد، دلایل این موضوع زیاد است زیرا آنها مربوط به شخصیت فردی سیاستمداران می شود که به «کشتن» هر چیزی که آنها را از مشاغل اولیه و خود غنی شدن باز دارد، علاقمند می کرد. در نتیجه، عدم حضور این روش های پارلمانی که آن را خدمات شهری می نامیم برای سفارش از طریق وزرای سیاسی مسئول برای سوء استفاده و بداستفاده کردن قدرت بوروکراتیک انجام می شود و نهایتاً به فساد کشیده می شود. بنابراین، رابطه بین فساد بوروکراتیک و سیاست (فساد سیاسی) بیشتر مورد توجه قرار گرفت.

از نظر تئوری، بسیاری از دلایل را می توان برای پرهیز از زمان سؤال مطرح کردن ارائه داد. اولین آنها این است که بیشتر سؤالات مطرح شده اساساً در مورد توزیع امکانات است مثل برق، خدمات پستی، آب و جاده که به جای چگونگی انجام کارها و تصمیم گیری و روابط آنها با شهروندان مطرح می شوند. دوم مدت زمان کمی است که در آن پارلمان برای امور صرف می کند. دلیل این موضوع این بود که سیاستمداران ارجاع به فرصت هایی برای ساختن آشیانه خود داده می شدند. بنابراین، هیچ زمان مناسبی برای امور جدی یا ارائه خدمات عمومی وجود نداشت. گزارش های بین سال های ۱۹۶۵-۱۹۶۰ پارلمان نیجریه نشان می دهد که آنها فقط حدود ۳۸ روز جلسه تشکیل داده اند. وقتی این را با پارلمان انگلیس مقایسه می کنیم می بینیم که طی همین دوران پارلمان انگلیس ۱۶۰ روز جلسه داشته است. هیچ شکی نیست که اعضای پارلمان نیجریه کارهای دیگری را ارجحیت داده اند و توجهی به آرایه که مردم به آنها داده اند و آنها را به مجلس فرستاده اند، نکرده اند. کمیته حساب های عمومی، یک روش کنترل دیگر است که بی اثر بود که در نتیجه همان مسائلی بود که قبلاً گفتیم. بین سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵، عملکردهای مؤثر PAC به واسطه حالت عدم همکاری خدمات عمومی بالاتر از کار افتاد، اطلاعات و دانش محدودی در مورد

پاسخگویی اعضای مهم این کمیته وجود دارد که شامل رئیس کمیته هم می‌شود.

این امکان هم وجود دارد که در دموکراسی لیبرال و شاید در دموکراسی ما، همانطور که مایر و همکارانش (۱۹۹۶) گفته‌اند، دموکراسی نیازمند یک بافت فرهنگی می‌خواهد تا به اجرا درآید، یک بافت فرهنگی که در آن فرمت دموکراتیکی نیازمند یک قانون‌گرایی عمیق است تا بتواند مجموعه‌ای از نتایج سیاسی را ارائه دهد. در این بافت فرهنگی، سیاست به طور کلی به عنوان تنازعات افراد است تا تنازعات بین حق و باطل یا خوبی و بدی.

سیاست بر اساس توجه به طبقه و توزیع عادلانه مواد (ثروت) منجر به یک تحمل بالاتر و بزرگتر موقعیت می‌شود و گرایش طبیعی برای سازش با مخالفت را به وجود می‌آورد (به جای اینکه سیاست سمبلی از تقسیمات ناشی از قانون، مذهب، اخلاق یا تقسیم فرهنگی است. به نظر می‌رسد که این یک پارادوکس باشد زیرا تجارب نشان داده‌اند که این کار مراحل اولیه خود را طی می‌کند زیرا همین توجهات به طبقه و توزیع درست ثروت، که چه باشد و چگونه باشد، است که یک فرهنگ غیرقابل تحمل را به وجود آورده است که سیاستمداران برعکس آنچه سیاستمداران غربی انجام داده‌اند، در نظر بگیرند.

نتیجه

از آنچه در بالا آمد این را باید درک کرد که جوابگویی (حسابرسی) برای عملکرد کافی بوروکراسی امری مهم است به خصوص که بازوی اجرایی و اولیه و اصلی دولت است. حسابرسی همانند یک ابزار کنترل کیفیت برای خدمات عمومی عمل می‌کند و بنابراین به عموم مردم به عنوان شهروندان و مصرف کنندگان نگاه می‌کند و این شهروندان می‌توانند از بهترین خدمات بهره‌مند شوند. این حسابرسی و جوابگویی بر روی برتری عموم بر علایق فردی و شخصی تأکید دارد و انتظار می‌رود که نسبت به رفتار اخلاقی افراد دست اندرکار هیچگونه اغمازی نشان ندهد. مردم انتظار چیزی ندارند مگر اخلاقیات متخصصان و حسابرسی طوری باشد که خدمتگزاران از فساد دور باشند. از طرف دیگر، مفهوم حسابرسی را نمی‌توان از دید دموکراسی و لذت زندگی دموکراسی محدود با قطع کرد. این اساساً به این خاطر است که دموکراسی به قدرت و بالاتر بودن عموم مردم توجه دارد و اراده مردم و شهروندان را در فرآیند حکومت کردن در نظر می‌گیرد. ایده‌ی انتخاب مسئولین دولتی قابل بررسی در هر دوره‌ای از دموکراسی است و هسته اصلی و ریشه دموکراسی محسوب می‌شود. این از نظر تمایل و گرایش مسئولین به سوء استفاده از موقعیت خود برای گردآوری پول و ثروت بسیار مهم است. همانطور که الوور در سال ۲۰۰۲ خاطر نشان کرده است، حسابرسی و پاسخگویی اکنون به خصوص برای منابع موجود دولت‌های آفریقایی بسیار بااهمیت است و هرچه توقعات عموم مردم بیشتر افزایش یابد فشار شهروندان بر روی دولت بیشتر هست تا اطمینان حاصل کنند که به شهروندان حداقل ارزش ممکن را برای کسب درآمد و ثروت می‌دهند.

بالاخره، این مربوط به تکرار این موضوع است که خصوصیت خاص دموکراسی نیجریه این امکان را به وجود آورده است تا تمام کوشش‌ها را برای کنترل نهادهای به چالش بکشاند و ملاک‌های حسابرسی را به مبارزه بطلبد زیرا اساساً حمایت گروه‌های حاکم برای دموکراسی، حتی آنجا که وجود دارد، خالصانه دارای ابزار عقلی است که آنقدر به نهادهای سازی ادامه می‌دهد تا بتواند از علایق محله‌ای و مادی خود محافظت کند. حمایت این گروه‌های حاکم از دموکراسی و نهادهای آن، به خصوص از کنترل و حسابرسی در واقع شروع به تهدید اساس قدرت سیاسی و اقتصادی و حاکمیت آنهاست. می‌توان تا حدودی اینگونه شرح داد که دلایل اعمال مختلف لاپوشی یا پنهان کاری و فساد پنهان آنها نمایندگان منتب مردم در سطوح دولتی و ملی هستند به خصوص زمانی که به اعمال گوناگون فساد، تقاضا و تقسیم پول غیرقانونی می‌رسند. اینها را هم می‌توان اضافه کرد که بخشی از این مشکل مربوط به موقعیت رئیس جمهور است که می‌داند که تنها راه حل مسأله برخورد با فساد در این سطح دخالت است و افشاء کردن افراد فاسد است، زیرا کنترل و پاسخگویی در قانون وجود دارد. این همان چیزی است که باعث ایجاد EFCC یا کمیسیون جرایم مالی و اقتصادی شد تا با اعمال فاسد مردم و مسئولین دولتی مبارزه شود.

- Abercrombie N, Hill S, Turner BS (1984). Dictionary of sociology, Penguin Books, 2nd ed.
- Adelaja SO (2009). An evaluation of the perception of auditors' independence in Nigeria. Niger. J. Manage. Stud., 10(1): 122-145.
- Adeyeye GB, Adeyemi SB, Otusanya OJ (2010). Ethical challenges of practicing accountants in Nigeria. Nigerian J. Manage. Stud., 10(2): (290-326).
- Ahmed K, Alam KF, Alam M (1997). An empirical study of factors affecting accounting students' career choice in New Zealand, Acc. Edu.: An Int. J., 6(4): 325-335.
- Ajibolade SO (2008). A Survey of the Perception of Ethical Behaviour of Future Nigerian Accounting Professionals. Nig. Acctant., 43(3): 54-
- Albrecht WS, Sack RJ (2000). Accounting Education: Charting the course through a perilous future, Acc. Edu. Series No. 16, American Acc. Ass., Sarasota, FL.
- Australian Council of Professions (2004). About professions in Australia: Definition of a profession, available at http://www.professions.com.au/define_profession.html (accessed 9 December 2010).
- Bakre OM (2007). The unethical practices of accountants and auditors and the compromising stance of professional bodies in the corporate world: evidence from Nigeria. Accting. Forum, 31: 277-303.